

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



حفظ نفوذ روسیه در خاور میانه

منابع نظامی و اقتصادی روسیه به دلیل جنگ در اوکراین تحت فشار شدید و محدودیت قرار گرفته است. پایگاه سابق آن در سوریه سقوط کرده است. با این حال، حتی تحت این شرایط، کرملین به جای تصمیم به خروج از خاورمیانه، خود را با واقعیت‌های جدید وفق داده است. مسکو با حفظ عمل‌گرایی مطلق، خطوط ارتباطی خود را با همه طرف‌ها باز نگه می‌دارد: ایران و اسرائیل، ترکیه و کشورهای پادشاهی خلیج فارس، مصر، و جناح‌های مختلف در سوریه و لیبی. هدف آن نه حل منازعات، بلکه تضمین حفظ صدای خود است. روسیه حتی بدون تکیه بر سوریه به عنوان یک کانون عملیاتی، ظرفیت‌های خود در بحران‌های منطقه‌ای را حفظ کرده‌است. هنگامی که تنش‌های ایران و اسرائیل پس از سقوط اسد تشدید شد، مسکو در عین حفظ گفت‌وگو با تهران، با احتیاط از مانع‌تراشی در برابر حملات اسرائیل خودداری کرد. ایران، اگرچه از عدم تمایل روسیه برای حمایت قوی‌تر از آن در جریان درگیری ماه ژوئن با اسرائیل سرخورده شد، در نهایت باید بپذیرد که تازمانی که رویارویی تهران با ایالات متحده و اتحادیه اروپا ادامه دارد، مسکو در کنار یکن به عنوان یک شریک ضروری باقی خواهد ماند. به‌رغم کاهش حضور، روسیه توانایی نمایش قدرت خود را حفظ می‌کند. مسکو با حفظ جای پا در لیبی و سوریه، می‌تواند پرسنل و تسلیحات را به منازعات مختلف آفریقایی و خاورمیانه‌ای منتقل می‌کند. اهرم‌های اقتصادی روسیه نیز به همان اندازه مهم هستند. هماهنگی با اوپک پلاس (به‌ویژه عربستان سعودی) به مسکو کمک می‌کند تا تولید و قیمت نفت را تنظیم کند و اثرات تحریم‌های غرب را کاهش دهد. این تنها بخشی از یک پازل جهانی‌تر است. روسیه جریان‌های تجاری خود را از طریق واسطه‌های خلیج‌فارس تغییر داده و از آن‌ها هم به عنوان یک مرکز ترانزیت و هم بازار مصرف برای فرآورده‌های نفتی، مواد غذایی، مواد اولیه پتروشیمی، فناوری‌های اطلاعاتی و سرمایه‌های سرمایه‌گذاری خود استفاده می‌کند. امارات و عربستان سعودی نیز فعالانه در اقتصاد روسیه سرمایه‌گذاری می‌کنند. روسیه از طریق نقش رو به رشد خود در امنیت غذایی و انرژی منطقه و پروژه‌های هسته‌ای، جایگاه خود را در خاورمیانه تثبیت کرده و تلاش‌های غرب برای منزوی ساختن آن را پیچیده‌تر می‌کند.

کشورهای پادشاهی خلیج فارس از سال ۲۰۲۲، با وجود روابط امنیتی عمیق با واشنگتن، روابط قوی خود را با روسیه حفظ کرده‌اند. هیچ‌یک به تحریم‌های غرب علیه مسکو نپیوستند. در عوض، آن‌ها در حال افزایش همکاری‌های اقتصادی هستند: برای مثال، در ماه اوت، محمد بن زاید آل نهيان، حاکم امارات متحده عربی، جاه‌طلبی خود برای دو برابر کردن گردش تجاری با روسیه در پنج سال را اعلام کرد. (تجارت روسیه و امارات در طول سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ از ۳/۵ میلیارد دلار به ۹/۵ میلیارد دلار رسیده و تقریباً سه برابر شده بود). چنین اقداماتی فضای تنفس سیاسی و مالی برای کرملین ایجاد می‌کند و فشار غرب را تضعیف می‌کند. برای سیاست‌گذاران غربی، درس روشن است: ضعف روسیه نباید موجب رضایت شود. روسیه تضعیف‌شده همچنان می‌تواند یک عامل مخرب و برهم‌زننده استراتژیک باشد. این کشور با ذهنیت بقا، در پی بهره‌برداری از هر گشایش دیپلماتیک، اقتصادی یا ژئوپلیتیکی برای پیشبرد جاه‌طلبی‌های گسترده‌تر خود است. در خاورمیانه، روسیه شاید دیگر قدرت کانونی نباشد، اما فاصله زیادی با بی‌قدرتی دارد. چابکی، فرصت‌طلبی و توانایی آن برای بهره‌برداری از شکاف‌ها تضمین می‌کند که همچنان به چالش کشیدن غرب به‌روشن‌هایی ادامه می‌دهد که مقابله با آن‌ها دشوار است. تازمانی که ایالات متحده و اروپا تعامل مستمر و وحدت خود را حفظ نکنند، کرملین به تبدیل ضعف خود به آسیب‌پذیری غرب ادامه خواهد داد.



عکس: وزارت خارجه

حاشیه
دیپلماسی

و نقض آشکار آتش‌بس، کاملاً درک می‌کنم که چرا همتای لبنانی ارجمندم آماده سفر به تهران نیست. از این‌رو با کمال میل دعوت او برای سفر به بیروت را می‌پذیرم.» بگو مگوهای علنی وزرای خارجه ایران و لبنان نشان می‌دهد که شرایط روابط تهران و بیروت در پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر قرار گرفته‌است. مقام‌های دولت جدید لبنان که از مردادماه سال جاری طرح انحصار سلاح را بدون حضور وزرای شیعه در کابینه تصویب کردند، به صورت عمده ایران را مانعی در برابر خلع سلاح حزب‌الله تلقی می‌کنند. به اعتقاد برخی مقام‌های دولت جدید لبنان، خلع سلاح حزب‌الله می‌تواند جلوی تجاوزهای بیشتر اسرائیل به لبنان را بگیرد، وضعیت لبنان را در سطح بین‌المللی عادی کند و درهای کمک خارجی را برای بازسازی اقتصاد ورشکسته لبنان به روی این کشور باز کند. در برابر حزب‌الله و حامیانش معتقدند که در صورت خلع سلاح کامل حزب‌الله و حذف نفوذ ایران از معادلات لبنان باعث خواهد شد تا دست اسرائیل در تجاوزگری علیه لبنان بازتر شود و حملات به خاک لبنان افزایش پیدا کند. درحالی‌که مخالفان حزب‌الله سلاح این گروه را صرفاً ابزاری برای حفظ قدرت داخلی تلقی می‌کنند، حزب‌الله و حامیان سلاح مقاومت را صرفاً ابزاری برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی لبنان در مقابل دشمن خارجی می‌دانند. حزب‌الله لبنان تاکنون با خلع سلاح موافقت نکرده و تاکید کرده‌است تنها در چارچوب گفت‌وگوهای لبنانی-لبنانی برای تعیین استراتژی دفاع ملی حاضر به مذاکره در مورد سلاح خود است. نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان، شنبه‌شب در سخنرانی خود تصریح کرد: «آمریکا بداند که ما از خود دفاع خواهیم کرد، حتی اگر آسمان به زمین بیاید. حتی اگر تمام جهان علیه لبنان متحد شوند خلع سلاح برای تحقق هدف اسرائیل محقق نخواهد شد.»

وزیر خارجه رجبی

یوسف رجبی، وزیر امور خارجه لبنان که تا یک سال پیش سفیر لبنان در اردن بود، با روی کار آمدن دولت نواف سلام به‌عنوان وزیر خارجه لبنان منصوب شد. رجبی از اعضای حزب «نیروهای لبنانی» به رهبری سمیر جعجع است. سمیر جعجع و اطرافیان‌ش همواره از مخالفان اصلی مقاومت در لبنان و از نیروهای نزدیک به اسرائیل و غرب بوده‌اند. یوسف رجبی در شرایطی به‌عنوان وزیر خارجه لبنان انتخاب شده‌است که تا پیش از این عمدتاً این پست مهم در اختیار سیاستمداران و دیپلمات‌های مستقل قرار می‌گرفت، اما در کابینه نواف سلام این مقام به عنوان سهمیه حزب نیروهای لبنانی به یک نامزد حزبی واگذار شده‌است. وابستگی‌های حزبی یوسف رجبی، به وضوح

کشور بی طرف می‌شود و روز دیگر از سخنان یک شخصیت سیاسی ایرانی انتقاد می‌کند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز هیچ‌یک از اظهارات همتای لبنانی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. عراقچی در واکنش به واپسین پیام همتای لبنانی خود که در آن بار دیگر دعوت به سفر به تهران را رد کرده‌بود، نوشت: «از دعوت محبت‌آمیز آقای یوسف رجبی سپاسگزارم. در عین حال تصمیم او برای عدم استقبال از دعوت متقابل ایران در پاسخ به مهمان‌نوازی گرم ایشان در سفر گذشته اینجانب به لبنان، مایه شگفتی است. روشن است وزرای خارجه کشورهایی که روابط برادرانه و روابط کامل دیپلماتیک دارند، برای دیدار نیازی به یک محل بی طرف ندارند. با توجه به اشغالگری اسرائیل در لبنان



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

در طول هفته‌های گذشته یوسف رجبی، وزیر خارجه لبنان، سیاست‌های بیروت را در قبال ایران پیوسته به صورت علنی در شبکه‌های اجتماعی و مصاحبه‌های رسانه‌ای اعلام می‌کند و از پذیرفتن دعوت همتای ایرانی خود برای مذاکره سر باز می‌زند. وزیر خارجه لبنان در شبکه اجتماعی ایکس یک روز ایران را به دخالت در امور داخلی لبنان متهم می‌کند، یک روز خواستار مذاکره با همتای ایرانی در یک

نگاه
دیپلمات

مسعود ادریسی سفیر پیشین ایران در لبنان، در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

یوسف رجبی نماینده تمام حاکمیت لبنان نیست

است. همه با سوابق آقای جعجع آشنا هستند. ایشان سوابق روشنی در رابطه با دشمنی با ایران و در رابطه با همکاری‌ها با اسرائیل و آمریکا دارد. مواضع و رویکردهای سمیر جعجع و حزب او کاملاً روشن است و دشمنی او با ایران و حزب‌الله نیز سابقه‌دار است. به اعتقاد من مواضعی که یوسف رجبی می‌گیرد خیلی با مواضع حاکمیت لبنان و مخصوصاً رئیس‌جمهور این کشور همسو نیست. یوسف رجبی بیش از هر چیز نماینده مواضع حزب خودش است. آنچه در اظهارات و پیام‌های علنی یوسف رجبی دیده می‌شود هم در واقع تکرار مواضع یک حزب مشخص لبنانی، یعنی حزب آقای سمیر جعجع است و نباید به پای کل حکومت لبنان نوشته‌شود. من تعجب می‌کنم که چطور وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و شخص آقای وزیر حاضر به پاسخگویی و بگو مگو با آقای رجبی می‌شوند. به نظر من اصلاً صلاح نیست این صحبت‌ها علنی مطرح شود و تا این حد به اظهارات آقای رجبی بها داده‌شود. آنچه توسط یوسف رجبی مطرح می‌شود مواضع کل دولت لبنان نیست.

«چرا روابط بیروت و تهران در وضعیتی قرار گرفته‌است که وزیر خارجه لبنان اینگونه با همتای ایرانی خود سخن می‌گوید؟ بعد از جنگی که بین حزب‌الله و لبنان با اسرائیل شد و ترور فرماندهان اصلی حزب‌الله مخصوصاً آقای سیدحسن نصرالله دبیرکل، آقای هاشم صافی‌الدین و بقیه فرماندهان ارشد حزب‌الله، اسرائیل و برخی از گروه‌های لبنانی به این نتیجه رسیدند که حزب‌الله دیگر قدرت قبلی خود را ندارد و به راحتی می‌توان آنها را از میدان به در کرد. جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و آسیب دیدن شبکه نیروهای متحد ایران در منطقه نیز باعث شد که این احساس ایجاد شود که قدرت ایران در منطقه کاهش پیدا کرده‌است و تهران دیگر توانایی و نفوذ گذشته‌اش را در منطقه و لبنان ندارد. تردیدی وجود ندارد که این دیدگاه کاملاً درست نیست، اما این حقیقت هم وجود دارد که به هر حال بخشی از توانایی و نفوذ ایران و حزب‌الله در دو سال گذشته دچار آسیب شده‌است. حزب‌الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و حماس در نوار غزه تا حد زیادی تضعیف شده‌اند و این دیدگاه شکل گرفته‌است که



«چرا وزیر خارجه لبنان تا این حد اصرار دارد که به جای مذاکره و گفت‌وگو دوجانبه، به صورت علنی و در شبکه‌های اجتماعی با همتای ایرانی خود وارد بگو مگو و درگیری شود؟

نکته‌ای که باید در مورد وزیر خارجه فعلی لبنان، آقای یوسف رجبی در نظر داشت، این است که ایشان در حقیقت سهمیه آقای سمیر جعجع رهبر حزب قوای لبنانی در کابینه است و صحبت و مواضع وزیر خارجه لبنان مشابه مواضع سمیر جعجع

ایران قدرت و نفوذ گذشته‌اش را در منطقه ندارد. مقام‌های دولت جدید لبنان هم می‌خواهند از این ضعف استفاده کنند و به حامیان و متحدان خودشان در آمریکا نشان بدهند که آمادگی ایجاد تحولاتی در راستای خواست غرب دارند. اظهارات وزیر خارجه لبنان در این چارچوب است که به آمریکا و اسرائیل نشان بدهد که روابط بیروت و تهران دیگر مانند گذشته نیست و ایران نفوذ قبل را در مسائل لبنان ندارد.

واقعیت این است که هر چند حزب‌الله لبنان در جنگ با اسرائیل آسیب‌های شدیدی را تحمل کرده‌است، اما محبوبیت و نفوذ این گروه هنوز از بین نرفته‌است. در انتخابات شهرداری‌ها در جنوب لبنان دیدیم که حزب‌الله توانست پیروز شود و اکثریت کرسی‌ها را به دست بیاورد. این تصور که نفوذ حزب‌الله در میان شیعیان لبنان مانند گذشته نیست، تصور غلطی است.

«تعدادی از مقام‌های ارشد لبنان پیوسته تاکید می‌کنند که اولویت فعلی این کشور توقف تجاوزها و پایان اشغال سرزمین‌های لبنان است. با توجه به اظهارات این چنینی که از سوی نبیه بری، رئیس پارلمان و جوزف عون، رئیس‌جمهور بیان شده‌است، به اعتقاد شما چرا وزیر امور خارجه لبنان تا این اندازه به اظهارنظرهای اختلاف‌آفرین در مورد ایران می‌پردازد؟

بله! واقعیت این است که موضوع اصلی لبنان امروز تجاوزهای روزمره اسرائیل است. الان یک سال تقریباً از آتش‌بس گذشته و در این یک سال اسرائیل نه تنها از هیچ‌یک از مناطق اشغال شده در جنوب لبنان عقب‌نشینی نکرده‌است، بلکه به صورت روزمره نقاط مختلف لبنان را بمباران می‌کند و به شکل روزانه تعدادی از شهروندان لبنانی بر اثر اقدام‌های نظامی اسرائیل شهید می‌شوند. توقف این حملات و عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی قاعدتاً باید اولویت اصلی دولت لبنان باشد، آقای نبیه بری، رئیس پارلمان هم بر این موضوع تاکید دارد. آقای بری تاکید دارد که تجاوزهای اسرائیل باید فوراً متوقف شود و مسئله سلاح حزب‌الله هم یک مسئله داخلی لبنانی است که باید با گفت‌وگو میان طرف‌های لبنانی در مورد آن تصمیم‌گیری شود و این مسئله ارتباطی با طرف‌های خارجی به‌ویژه آمریکا و اسرائیل ندارد.

«فکر می‌کنید در صورت خلع سلاح حزب‌الله لبنان مسائل این کشور با اسرائیل حل و فصل شود؟

ما مشاهده می‌کنیم که تام باراک، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا که تاکنون بارها به لبنان سفر کرده‌است، مدام به خلع سلاح حزب‌الله اشاره می‌کند و هیچ اشاره‌ای به حملات و تجاوزهای اسرائیل به خاک لبنان و ضرورت توقف این حملات نمی‌کند. روشن است که موضوع خلع سلاح خواست اسرائیل و آمریکاست. مسئله اینجاست که متأسفانه ما در مطبوعات، چه در داخل ایران و چه در رسانه‌های بین‌المللی شاهد انتشار مواضع مخالفان حزب‌الله هستیم و مواضع احزاب اسلام‌گرا و حامی مقاومت در رسانه‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بسیاری از افرادی که در مورد